

فرش دستباف

● پروانه ماهر و بیان



عناصر تولید فرش: فرش دستباف قبل از هر چیز نیازمند منابع بکر و طبیعی و غیرمصنوعی است. موادی از قبیل پشم، ابریشم و نخ که برای هر یک از آنها متأسفانه مشابهات کم‌بهای مصنوعی نیز وجود دارد. کنترل کیفی تولید این مواد و روش‌های تولید و ارائه آن می‌تواند از طریق استانداردسازی ملی از گزند سودجویی‌های صرفاً تجاری در امان بماند. در مورد رنگ و رنگرزی چه گیاهی و چه شیمیایی باید با اصول صحیح و ثابت کردن رنگ در بهبود کیفیت آن اقدام کرد. سیاست‌های تشویقی به‌وسیله بنیادهای رسمی نیز یکی از راه‌های تأثیرگذار بر بهبودی تولیدات مواد اولیه می‌باشد.

مسأله بافت فرش با توجه به امر پراکندگی در سطح شهر، روستا و عشایر و نیز با توجه به اینکه بیشتر این بافندگان، مزدگیران و سرمایه‌گذاران فرش هستند، تأثیر کیفی در پیچیده شدن تولید دارد. در بیشتر موارد هیچ‌گونه قانونمندی در ارتباط صاحب کار و بافنده، وجود ندارد. طبیعتاً سودجویی و استثمار شدید در افت کیفیت بافت تأثیر عمده‌ای دارد. بافت به پیش نیازهای

کالایی جامعه گنجانده شود. پدیده ارزش افزوده نیز از دید اقتصادی به جهات مختلف، موضوع مورد توجه است که از مهم‌ترین عناصر آن نیروی کار- باشندند است.

در اجمال به این تعریف می‌توان دست یافت که: فرش دستباف محصولی است هنری- قومی که به‌عنوان یک صنعت دستی و کالایی نفیس به مبادله گذارده می‌شود. اگر به آمار بافندگان و دیگر دست‌اندرکاران این محصول نظر کنیم و قریب ده میلیون نفر را مورد عنایت قرار دهیم به ابعاد ارزش این محصول پی خواهیم برد.

بجایگاه‌های کارشناسانه و محققانه در اطراف این محصول به طور پیگیر از جانب تنی چند از استادان مطلع و دلسوز این رشته انجام گرفته است، کتب ارزشمندی به چاپ رسیده است؛ اما مشکلات فرش و خانواده عظیم فرش هنوز ساماندهی نشده است. در این مختصر هدف توجه به برخی سوالات و مسائلی است که عرصه بسیار پر اهمیتی را در تولید و مبادله این محصول دربر می‌گیرد.

بررسی مسایل مربوط به فرش دستباف، ما را ملزم به ارائه یک تعریف مشخص از این محصول می‌کند. این تعریف به ما کمک خواهد کرد محدوده مسایل را مشخص کرده و کم و کیف آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. از آن جا که فرش دستباف یک مصنوع به شمار می‌آید باید به ترتیب اولویت‌های زیر به آن بپردازیم.

۱- محصولی که در حکم کالا در بازارهای داخلی و خارجی دادوستد می‌شود.
۲- محصولی که کیفیت طرح، مواد اولیه، بافت و تنوع رنگ به آن ارزش کارشناسی ممتازی می‌بخشد. می‌توان علاوه بر ارزش کالایی، به ارزش هنری آن نیز توجه داشت.

۳- فرش به‌عنوان یک نوع صنعت دستی، سرشتی عمیقاً قومی و تاریخی دارد؛ به همین اعتبار واجد ارزش ملی پر دامنه‌ای است. این ارزش از برآیند تجارب، فرهنگ، ویژگی‌های اقلیمی و عواملی از این دست پدید آمده و قابل انتقال و یا حذف نیست!

۴- علاوه بر همه این‌ها فرش در حکم کالا، ارزش اضافی تولید می‌کند که باید در فرآیند کل تولید و مبادله

جاجیم‌های شاهسون

A NEW BOOK ON JAJIMS of the
SHAHSVAN NOMADS



تقاضای محصول را کاهش می‌دهد و آثار مخربی بر تولید ناخالص ملی به جا می‌گذارد.

تجارت به‌عنوان اولای تولید فرش بیشترین تأثیر را در نزول کیفی این محصول داشته است.

چاره‌نهایی این امر تولید بر عهده بنیادی می‌تواند باشد که قادر به کنترل کیفی محصول تجاری باشد. در اینجا نیز با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی بر تجارت فرش می‌توان این کالا را از حوزه واسطه‌گی مصون نگهداشت.

یک نکته باریک‌تر از مواینکه، کار هنری و صنعت ملی که ارزش مبادله عالی داشته باشد، با عواطف بشری یعنی احساس بافنده به اضافه مهارتش پیوند دارد. بافنده محروم از تمامی حقوق جهانی و ملی کار، کمترین تأثیر اعتلایی و شاید بیشترین تأثیر تخریبی را در هویت فرش ایرانی می‌تواند داشته باشد.

طرح و مواد اولیه متکی است، اما خود نقشی وزین در تولید این محصول دارد. استانداردسازی و تدوین چارچوبه‌های استاندارد به تریبی می‌تواند اعمال شود که نیروی تولید را هم با استانداردهای ملی و جهانی کار بنگرد و هم حداقل حقوق و معیشت استاندارد را برایشان در نظر بگیرد.

از دیگر کاستی‌های کیفی این محصول، باسهای کردن طرح‌های قدیمی و سنتی است که در بسیاری موارد براساس تمایل و درخواست بازار و بی‌توجه به خصوصیات و ویژگی‌های اقلیمی، قومی، فولکلوریک و اسطوره‌های یک محصول، صورت می‌گیرد. تجار فقط به دلیل شیرین بودن بازار و تقاضای زیاد برای محصولی خاص، سفارش تولید وسیع و گسترده آن را در هر نقطه و هر شرایطی می‌دهند. نمونه بسیار چشمگیر آن «گبه» در چند سال گذشته است.

آنچه از جنبه اقتصادی محصول حائز اهمیت است دو صد چندان از جنبه اجتماعی و فرهنگی مناسبات تولید فرش اهمیت دارد. کیفیت نازل بافت تماماً به ارزش هنری، تاریخی و ملی محصول لطمه می‌زند.

کتاب حاضر دنباله بررسی و تحقیقاتی است که در آذربایجان ایران صورت گرفته است. تحقیق و بررسی جامعی است در مورد قطعات جاجیم در این ناحیه. کتاب در عین دارا بودن ارزش علمی و فنی، از موضوعی جذاب برخوردار است و خواننده را تشویق می‌کند که در پی اطلاعاتی عمیق‌تر از نحوه زندگی و رسوم بخشی از مردم شرق باشد که هنوز هم همچون چادرنشین‌های اسلاف خود در قرن‌ها پیش زندگی می‌کنند. کتاب به بررسی ۴۲ قطعه برگزیده از ۱۰۰۰ قطعه جمع‌آوری شده توسط آقای طاهر صباحی، که طی سال‌ها تحقیق و بررسی به دست آمده است می‌پردازد.

منبع:

International Carpet and Textile Review
Winter 1999,2000 - Issue 22